

## پادشاه مؤسی

• علی ططری  
دانشجوی دکتری تاریخ

اهمیت کتاب افزوده، دسترسی مؤلف محترم به اکثر مدارک، اسناد و کتب معتبر و اصیل آن دوره است که با دقت و حوصله و بی‌طرفی تمام آن‌ها را از نظر گذرانیده و با استناد به آن مآخذ و منابع معتبر، حیات پرحادثه و زندگانی پرچوش و خروش شاه اسماعیل اول را نگاشته است.<sup>۱</sup>

فصل اول کتاب که به زندگی شاه اسماعیل اول صفوی اختصاص یافته است، با نگاهی گذرا به تولد، دوران کودکی و خانواده‌ی شاه اسماعیل و ذکر برخی خصوصیات جسمی وی، به نبرد سرنوشت‌ساز شرور در سال ۹۰۷ق اشاره می‌کند.<sup>۲</sup> این جنگ که یکی از مهم‌ترین نبردهای نخستین شاه اسماعیل به شمار می‌آید، به شکست الوند میرزا آق‌قویونلو انجامید.

نویسنده‌ی کتاب در ادامه با برشمردن اهمیت پرداختن پژوهشگران و مورخان به خصوصیات جسمی و روحی شخصیت‌های تاریخی، سعی کرده است از لابه‌لای سفرنامه‌ها و نوشته‌های سیاحان خارجی از برخی از این ویژگی‌های شخصیتی شاه اسماعیل آگاهی یابد. در فرازی از این بخش، احوال شاه اسماعیل را از نگاه آنجیولو، بازرگان ونیزی این گونه شرح داده است: «... این صوفی، زیبا و خوش‌رویی و بسیار دلپذیر است. خیلی بلند نیست ولی اندامی خوش‌ترکیب دارد. سبک‌پیکر و خوش‌اندام و فربه و میان کتف‌هایش فراخ و مویش مایل به سرخی است. از ریش و سبیل فقط سبیل را گذاشته و دست چپ را به جای دست راست به کار می‌اندازد. مانند خروس جنگی بی‌باک و بیش از هر یک از امرای خود نیرومند است...»<sup>۳</sup>

در فصل دوم، زیر عنوان «دانش و دانش پروری شاه اسماعیل اول» برخی از فضایل و دانش‌های شاه اسماعیل برشمرده شده است و از او به عنوان «صاحب سیف و قلم» یاد کرده است. دلیل این مدعا نیز روایت‌هایی است که در منابع بدان‌ها اشاره گردیده است. از جمله اینکه به شعر و شاعری علاقه وافری نشان داده است و در سلک شاعران زمان خود اشعاری را با تخلص «خطائی» می‌سروده و اسکندر منشی ترکمان، مورخ این دوره نیز بر آن صحنه گذارده است.<sup>۴</sup> در ادامه فصل دوم برخی از اشعار



■ حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی شاه اسماعیل اول  
■ تألیف محمد کریم یوسف جمالی  
■ دانشگاه آزاد اسلامی (نجف آباد)، ۱۳۸۷، چاپ اول، ۴۳۰ صفحه

کتاب «حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی شاه اسماعیل اول» پژوهشی است که توسط دکتر محمد کریم یوسف جمالی<sup>۱</sup> با نگرشی بر خصوصیات جسمی، روحی، ذوقی، اخلاقی و مذهبی شاه اسماعیل صفوی و روابط خارجی دوره‌ی حکومت او نگاشته شده است. نویسنده‌ی کتاب در هفده فصل سعی نموده است تمام ابعاد زندگی شاه اسماعیل صفوی را مورد بررسی قرار دهد. کتاب، با مقدمه‌ی دکتر حسین میرجعفری<sup>۲</sup> آغاز شده است. در فرازی از این مقدمه می‌خوانیم: «آن چه بیش از همه بر

## نویسنده با برشمردن اهمیت پرداختن پژوهشگران و مورخان به خصوصیات جسمی و روحی شخصیت‌های تاریخی، سعی کرده است از لابه‌لای سفرنامه‌ها و نوشته‌های سیاحان خارجی از برخی از این ویژگی‌های شخصیتی شاه اسماعیل آگاهی یابد

ذکری از آن‌ها به میان نیامده است. در هفتمین فصل، نویسنده در مبحثی کوتاه به معرفی سه تن از خطاطان عصر شاه اسماعیل اول؛ شاه محمود نیشابوری، مولانا میرعلی و مولانا سلطانی پرداخته و سعی نموده است با تأکید بر منابع تاریخی، علاقه‌ی شاه اسماعیل را به هنر خطاطی بیان کند.

در فصل هشتم علاقه‌ی شاه اسماعیل به نقاشی و موسیقی مورد تأکید قرار گرفته است: «شاهان صفوی عموماً به هنر نقاشی علاقه‌مند بودند و شاه جوان صفوی در این فن سرمشق همه‌ی آنها بود. شاه اسماعیل نقاشان و هنرمندان دربار را ارج می‌نهاد. وجود و حضور استادان و هنرمندانی چون کمال‌الدین بهزاد و مانی نقاش در رأس نقاشان دربار و تعلیم فرزندان شاه به این هنر، خود نشانگر ذوق و علاقه‌ی شخصی شاه به این فن است.»<sup>۵</sup>

در نهمین فصل کتاب، خصوصیات اخلاقی شاه صفوی مورد بررسی و توجه خاص قرار گرفته است. نویسنده در این فصل سعی دارد با تکیه بر منابع و مآخذ عصر صفوی، خصوصیات اخلاقی و خلق و خوی شاه اسماعیل را ترسیم نماید. او چنین استنباط کرده است که: «... شاه جوان منشی متضاد داشت و این امر تشخیص خصوصیات اخلاقی و ظاهر و باطن او را برای پژوهنده مشکل می‌کند. خودپسندی و تواضع، لجاجت و ملائمت، ستم و رأفت، سخت‌کشی و بخشش در وی جمع گشته بود. به همین علت است که کمتر کسی می‌تواند با صراحت درباره‌ی او اظهار نظر کند.»<sup>۶</sup> یوسف جمالی در کتاب خود روایت‌های معتدلی در خصوص منش و شخصیت شاه اسماعیل از منابع گوناگون نقل کرده است و به ویژه به سادگی، فروتنی و شجاعت شاه صفوی تأکید داشته است.

دهمین فصل کتاب زیر عنوان «احترام و علاقه‌ی شاه اسماعیل به مریدان خاندان دین و دولت صفوی» در چهار بخش مجزا ارائه گردیده است. در بخش‌های چهارگانه، نحوه‌ی برخورد شاه اسماعیل با امرا و بزرگان خاندان صفوی و همچنین علاقه‌ی او به دو تن از وزرایش: میرزا شاه حسین اصفهانی وزیر و امیر

ترکی شاه اسماعیل به انضمام ترجمه‌ی آنها ارائه شده است. در ادامه، با نگاهی به جایگاه مورخان و شاعران نیمه اول قرن دهم هجری - که معاصر شاه اسماعیل اول و یا دربار او می‌زیستند - با شرح کوتاهی از زندگی و سبک و شعر و شاعری آنان، آمده است.

در فصل سوم در پنج قسمت مجزا به بررسی رفتار و علاقه‌ی شاه اسماعیل اول به شاعران و نحوه‌ی برخورد او با شعرای خاطی و بدزبان پرداخته شده است و در چهارمین فصل کتاب به معرفی برخی از وزرای شاه اسماعیل و ذوق شعری و ادبی ایشان پرداخته است. در این میان، وزیرانی چون محمودخان دیلمی، میرزا شاه حسین اصفهانی و خواجه جلال‌الدین محمد تبریزی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

فصل پنجم نیز به موضوع «هنرمندان، علما و دانشمندان دربار شاه اسماعیل» اختصاص یافته است. نویسنده در این فصل به معرفی اجمالی هشت تن از علمای صاحب‌نام این دوره همراه با مختصر توصیفی از آن‌ها می‌پردازد. این علما عبارتند از: مولانا حسین واعظ (متوفی سال ۹۱۰ق)، امیر جمال‌الدین محمد استرآبادی (متوفی ۹۳۱ق)، شیخ علی‌بن عبدالعلی مجتهد (متوفی ۹۴۴ق)، امیر غیاث‌الدین منصور، شیخ زین‌الدین جبل عاملی (مقتول ۹۶۵ق)، مولانا ابوالحسن بن مولانا احمد باوری (متوفی ۹۶۷ق) و مولانا حسین خواجه شرف‌الدین عبدالحق معروف به «الهی اردبیلی» (متوفی ۹۵۰ق).

فصل ششم نیز در مورد علما، فضلا، شعرا و دانشمندانی که به سبب اعتقادات و باورهای مذهبی‌شان مورد غضب شاه اسماعیل و امرایش قرار گرفتند بحث می‌کند. نویسنده تنها به سه تن از آن‌ها: شیخ ابراهیم گلشنی، فضل‌الله روزبهانی خنجی اصفهانی متخلص به «امینی» و مشهور به ملای اصفهانی و مولانا مصلح‌الدین لاری بسنده کرده است. البته باید توجه داشت علاوه بر این، تعداد زیادی از علما و دانشمندان این دوره به سبب اختلاف مذهبی و عقیدتی که با شاه صفوی داشتند مهاجرت کردند که نام بیشتر آنان تاکنون بر ما پوشیده مانده و در منابع

یاراحمد خوزانی اصفهانی مشهور به دورمیش خان شاملو، داماد شاه که مدتی لاهی مخصوص سام میرزا فرزند شاه اسماعیل و از امرای لشگری وی بود، اشاره شده است.

در فصل یازدهم، نویسنده در مبحثی نسبتاً مفصل به بررسی وضعیت خانوادگی و رفتاری شاه اسماعیل اول صفوی با خویشاوندان خود پرداخته است.

در مبحث «علاقه‌ی شاه اسماعیل به پسر و ولیعهد خود تهماسب اول»، اسامی فرزندان شاه اسماعیل و همچنین فرزندان ذکور و اناث ولیعهد او (شاه تهماسب اول) آمده است. توضیح اینکه در نگاهی کلی از منابع دوره‌ی صفوی چنین استنباط می‌شود که شاه اسماعیل چندان به فرزندان دختر خود علاقه نشان نمی‌داده است و آنچه در کتاب «حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی شاه اسماعیل اول» و دیگر آثار مشابه از اسامی فرزندان دختر شاه اسماعیل ذکر شده می‌تواند تنها معرف تعداد محدودی از دختران شاه باشد. همان گونه که در برخی منابع به اسامی دیگری از دختران شاه اشاره شده است.<sup>۷</sup> «درواقع این گونه مخفی کاری‌ها شاید به دلیل عدم علاقه‌ی شاه به داشتن دختر و شاید هم به سبب تعصبی بوده [است] که این گونه مردان داشتند»<sup>۸</sup>

در فصل دوازدهم، «زنان شاه اسماعیل اول» مورد توجه نویسنده‌ی کتاب بوده است. در این فصل در مورد سه تن از مهم‌ترین زنان شاه اسماعیل سخن به میان آمده است: بهروزه خانم، تاجلو بیگم و مهد علیا که آخرین همسر شاه صفوی بود. نویسنده در فصل دوازدهم کتاب خود با توجه به اطلاعاتی که منابع عصر صفویه در اختیار او نهاده‌اند، شمایی از زندگی، اقدامات، تأثیرات و قدرت این سه زن مشهور شاه اسماعیل را ارائه داده است.

**بنابر اسناد تاریخی، تعزیه‌خوانی از دوران آل بویه در ایران مرسوم گردید و هم‌زمان با زوال این سلسله، به حاشیه رفت، اما گویا از دوره‌ی شاه اسماعیل است که بار دیگر برگزاری این مراسم زنده و عملی شد**

فصل سیزدهم کتاب که از طولانی‌ترین فصول کتاب است، زیر عنوان «سیاست مذهبی شاه اسماعیل اول و خشونت او در تعمیم مذهب تشیع دوازده امامی به عنوان تنها مذهب رسمی در ایران» آمده است. نخستین بخش این فصل به «علاقه‌ی شاه اسماعیل اول به مذهب» پرداخته است. از نکات جالب توجه این بخش به نظر نویسنده درباره‌ی اعتقادات شاه اسماعیل است که در این زمینه بیان می‌دارد: «بی‌شبهه می‌توان گفت که بهره‌ی مؤسس صفوی از تشیع دوازده امامی، صرفاً پاره‌ای مدعیات و تشریفات بی‌مورد و مشتت‌ظواهر بود. در این که این خاندان در پیشرفت تصوف و تشیع در آذربایجان - خصوصاً اردبیل - نقش داشته‌اند، شکی نیست. از طرفی، امرا و مشاورانی که شاه جوان صفوی را همراهی می‌کردند مذهب درستی نداشته‌اند. آن‌ها برای پیشبرد اهداف سیاسی - حکومتی خود و جداسازی مرزهای کشور از تجاوز عثمانی‌ها - که ادعای حکومت اسلامی جهان را داشتند - به اجبار به تظاهر دست زده، وانمود می‌کردند که دین و مذهب دوازده امامی را پیروانند.»<sup>۹</sup> به طور کلی دریافت نویسنده‌ی کتاب در این بخش آن است که از بررسی و رفتار شاه اسماعیل و امرایش می‌توان گفت که اعتقاد چندانی به خدا و رسولش نداشته و حتی از شریعت رایج نیز اطلاع چندانی نداشته‌اند - البته این نظر قابل تأمل و بحث‌انگیز می‌نماید.

در بخش دوم از فصل سیزدهم به «علاقه‌ی شاه اسماعیل به تجدید بنای تعزیه‌خوانی در ایران» اشاره شده است. بنابر اسناد تاریخی، تعزیه‌خوانی از دوران آل بویه در ایران مرسوم گردید و هم‌زمان با زوال این سلسله، به حاشیه رفت و وارد دوران فترت خود شد، اما گویا از دوره‌ی شاه اسماعیل است که بار دیگر برگزاری این مراسم زنده و عملی شد.

«احترام و علاقه‌ی شاه اسماعیل اول به ائمه‌ی اطهار (ع)» در بخش بعدی مورد توجه قرار گرفته است. آن چه مسلم است شاهان صفوی به سبب اختیار مذهب تشیع و حتی انتساب خود به خاندان رسول اکرم (ص) در ظاهر احترام و اکرام زیادی برای ائمه اطهار قائل بودند. این موضوع تا جایی رسید که «شاه اسماعیل ادعا کرده بود که او تنها نماینده‌ی به‌حق حضرت علی (ع) و امام دوازدهم شیعیان است و راهنمایی‌های آن‌ها در طول مدت حکومتش راه‌گشای معضلات اجتماعی - سیاسی و مذهبی مردم از طریق دولت صفوی است.»<sup>۱۰</sup> در ادامه این بخش برخی از اقدامات عام‌المنفعه‌ی شاه اسماعیل در عتبات عالیات و

مقابر ائمه‌ی اطهار (ع) برشمرده شده است که به طور نمونه به «آوردن آب فرات به داخل شهر نجف»<sup>۱۱</sup> توسط شاه اسماعیل اشاره گردیده است.

در دو بخش بعدی، برخی ادعاهای شاه اسماعیل صفوی مانند توجه خاص حضرت علی (ع) و امام زمان (عج) به وی، مورد بررسی قرار گرفته است. در فرازی از این بخش آمده است که: «شاه اسماعیل اول خود به هنگام ترک لاهیجان به سوی اردبیل پس از عبور از نهر لشت نشا ادعا کرد که به ملاقات مهدی موعود صاحب الزمان دست یافته و از طرف ایشان مأموریت ترویج مذهب تشیع دوازده امامی را دارد.»<sup>۱۲</sup>

بخش بعدی «کوشش شاه اسماعیل در ترویج مذهب تشیع دوازده امامی در ایران» نام گرفته است. بدون شک، موضوع ترویج و اشاعه‌ی تشیع در دوران شاه اسماعیل صفوی را می‌توان از مهم‌ترین وقایع ایران بعد از اسلام دانست. البته هرچند نویسنده‌ی کتاب در ابتدای این بخش بیان نموده است: «گروهی از مورخان گذشته و معاصر عقیده دارند که شاه اسماعیل اول نه نخستین و نه آخرین کسی است برای رسیدن به اهداف خود مذهب را به این صورت دست‌آویز سیاست قرار داده است و در راه ترویج و ترمیم مذهب تشیع دوازده امامی و تغییر خطبه از مذهب سنت و جماعت، به تشیع دوازده امامی کوشش کرده است. ولی شاه اسماعیل آخرین و مصمم‌ترین فردی است که از میان حکمرانان شیعه جهت ترمیم و ترویج مذهب تشیع دوازده امامی کوشش‌ها کرده و خشونت‌ها روا داشته است.»<sup>۱۳</sup> در ادامه بحث به معرفی اقدامات برخی از فرمان‌روایانی که قبل از تشکیل دولت ملی صفوی سعی داشتند مذهب تشیع را در ایران رواج

دهند و به رسمیت بشناسند، پرداخته شده است. در دو بخش بعدی به «رفتار شاه صفوی نسبت به مقبره‌ی ابوحنیفه نعمان بن ثابت کوفی در بغداد» که منجر به نبش قبر وی شد و همچنین «فرمان شاه اسماعیل راجع به نبش قبر جامی و امام فخر رازی» مطالبی روایت شده است. البته در اغلب منابع دوره‌ی صفویه به کرات روایت شده که شاه اسماعیل صفوی و حتی برخی اعقابش به جهت جبران و انتقام بی‌حرمتی‌هایی که سنیان نسبت به مقابر ائمه‌ی اطهار (ع) روا داشته بودند، به نبش قبر علما و بزرگان مذهب تسنن مبادرت ورزیدند که نمونه‌هایی از این اقدامات در کتاب مورد بحث نقل شده است.<sup>۱۴</sup>

در بخش بعدی به روابط شاه اسماعیل اول و علامه دوانی پرداخته شده است. علامه دوانی فرزند بزرگ مولانا سعدالدین اسعد بود که در روستای دوان در نزدیکی کازرون اقامت داشت و به دست خاندان صفوی تمکین یافت و در نهایت به سال ۹۰۸ق اوایل سلطنت شاه اسماعیل بدرود حیات گفت و شاید بتوان گفت از نخستین علمای اهل تسنن بود که در اوایل دوره‌ی صفوی به مذهب شیعه تمایل پیدا کرد.

در بخش‌های پایانی فصل سیزدهم موضوعاتی چون برخورد شاه صفوی با مخالفان دین و دولت، امر به معروف و نهی از منکر، سوءاستفاده‌های عدیده شاه اسماعیل از سادگی و خوش‌باوری مردم و... مورد توجه و بررسی نویسنده قرار گرفته و برای اثبات آن‌ها به منابع معتبر این دوره استناد گردیده است. در ادامه این بخش نمونه‌های متعددی از منابع و سفرنامه‌ها به ضمیمه آورده است که آشکارا از شادخواری و خوشگذرانی شاه صفوی و سوء استفاده‌های او از مذهب و ساده‌لوحی مردم حکایت می‌کند.

در فصل چهاردهم «تفریحات شاه» مورد توجه قرار گرفته است و آنچه از فحوای این فصل استنباط می‌شود، نویسنده‌ی کتاب سعی داشته با استناد به منابع تاریخی، شاه اسماعیل اول را شخصی خوشگذران و مفرح و علاقه‌مند به شادی و سرور و پایکوبی معرفی نماید. در نخستین بخش فصل چهاردهم از علاقه‌مندی شاه به برپایی جشن و شادمانی به هنگام فتح و تصرف شهرهای جدید و غلبه بر دشمنان مواردی ذکر شده است. در بخش دوم از علاقه‌ی شاه به «ورزش چوگان و قیق‌اندازی داشته است.»<sup>۱۵</sup> علاقه‌ی شاه به شکار نیز در بخش بعدی مورد توجه قرار گرفته است. در آخرین بخش از فصل چهاردهم، از علاقه‌ی شاه به شراب سخن به میان آمده است. در ادامه‌ی این

**شاه اسماعیل نقاشان و هنرمندان دربار را ارج می‌نهاد. وجود و حضور استادان و هنرمندانی چون کمال‌الدین بهزاد در رأس نقاشان دربار و تعلیم فرزندان شاه به این هنر، خود نشانگر ذوق و علاقه‌ی شخصی شاه به این فن است**

## یکی از بهترین راه‌های شرق به غرب، خلیج فارس و ایران بود (و هست) و این دریچه‌ای برای ایجاد روابط منسجم و بیشتر غرب با ایران شد

اوزون حسن آق‌قویونلو با اروپا اشاره می‌نماید که می‌توان آن دوره‌ی را اوج روابط ایران با اروپا دانست.<sup>۱۷</sup> ازدواج سیاسی اوزون حسن با دسپینا خاتون طرابوزانی موضوع بعدی این فصل است که در آن به کرات از اهداف سیاسی این ازدواج سخن به میان آمده است، و در نهایت این نتیجه را به دست می‌دهد که «روابط ایران با دولت‌های دیگر به غیر از عثمانی» در دوره‌ی اوزون حسن آق‌قویونلو دوستانه و مسالمت آمیز بوده است.<sup>۱۸</sup>

هفدهمین و واپسین فصل کتاب که از مفصل‌ترین قسمت‌ها نیز به شمار می‌آید، زیر عنوان «روابط سیاسی و اقتصادی شاه اسماعیل اول» در پنج بخش مجزا، روابط خارجی شاه اسماعیل صفوی با دول خارجی را مورد بررسی قرار داده است. در بخش نخست، «روابط ایران با ونیز، پرتغال و اسپانیا» مورد توجه بوده است. در این بخش، علل رونق مناسبات خارجی ایران در دوره‌ی شاه اسماعیل اول که تا مدت‌ها بعد نیز تداوم داشت، برشمرده شده است؛ نویسنده یکی از علل مؤثر را این‌گونه عنوان می‌کند که: «در سال ۸۵۷ق سلطان محمد فاتح - سلطان عثمانی - امپراتور روم شرقی را برانداخت و بندر قسطنطنیه (استانبول) را متصرف شد. این پیروزی باعث گشت تا نفوذ و تسلط عثمانی‌ها بر قسمت شرقی دریای مدیترانه، آسیای صغیر و شام مسلم شده و راه اروپا به آسیا قطع گردد. به فرجام، سوداگران ونیزی و پرتغالی که به سود امتعه کشورهای آسیا - خصوصاً هندوستان - علاقه‌ی وافری داشتند، به‌ناچار در پی یافتن راهی دیگر به هند گردیدند.»<sup>۱۹</sup> او در ادامه بیان می‌دارد که یکی از بهترین راه‌های شرق به غرب، خلیج فارس و ایران بود (و هست) و این دریچه‌ای برای ایجاد روابط منسجم و بیشتر غرب با ایران شد. در بخش بعدی این فصل به حمله‌ی آلبو کرک به جزیره‌ی هرمز در سال ۹۱۳ق اشاره شده است که در موازات رسیدن به هدف بالا انجام پذیرفت. البته مفاد قرارداد منعقد بین ایران و پرتغال که بعد از تصرف قسمت‌هایی از جزایر خلیج فارس توسط پرتغالی‌ها صورت گرفت نیز در پی آمد است.

در سومین بخش از فصل هفدهم «روابط شاه اسماعیل اول با ازبکان و پایان کار شیبیک‌خان ازبک» مورد توجه نویسنده‌ی کتاب قرار گرفته است. او با اشاره‌ای به تعمیم مذهب تشیع دوازده امامی توسط شاه اسماعیل اول سعی دارد، آن را به عنوان شروع اختلاف با ممالک سرحدی ایران بداند؛ ممالک همسایه‌ای که همگی مذهب تسنن داشتند و این آغازی بود بر یکسری

## روابط خارجی دوره‌ی صفوی را باید از دوران حکومت آق‌قویونلوها به ویژه دوره‌ی حکمرانی اوزون حسن، فرمانروای معروف این خاندان جست‌وجو نمود

بخش مستندات دیگری از علاقه‌ی شاه صفوی به خوشگذرانی ارائه شده است.

پانزدهمین فصل کتاب به «روابط شاه اسماعیل اول با دول خارجی» اختصاص یافته است. می‌دانیم که در دوره‌ی صفوی روابط ایران با دول خارجی به ویژه اروپایی به اوج خود رسید. آنها به دلیل داشتن روابط مسالمت‌آمیز با اروپا، روابط تیره‌ای با عثمانی داشتند. البته روابط خارجی دوره‌ی صفوی را باید از دوران حکومت آق‌قویونلوها به ویژه دوره‌ی حکمرانی اوزون حسن، فرمانروای معروف این خاندان جست‌وجو نمود. هرچند روابط اوزون حسن آق‌قویونلو با اروپا نافرجام بود اما «... مقدمه و تجربه‌ای شد برای صفویان که با آگاهی بیشتر (به‌ویژه در زمان اوج شکوفایی سیاسی و اقتصادی آنها) روابط دیپلماسی ایران و اروپا را از سر گیرند و در این راه به‌جز جنبه‌های سیاسی و اقتصادی، شکوه و عظمت فرهنگ ایرانی - اسلامی و هنر و معماری ایران را در اروپا به نمایش بگذارند.»<sup>۱۶</sup>

نویسنده‌ی کتاب با اختصاص فصل شانزدهم اثر خود به «آغاز روابط ایران با دول اروپایی» در پیش از تأسیس دولت صفوی، بر اهمیت بررسی روابط خارجی ایران قبل از شکل‌گیری حکومت ملی صفویه صحه می‌گذارد و با پرداختن به روابط خارجی «ایران در عصر قراقویونلو و آق‌قویونلو» بر این نکته تأکید می‌کند. او در چند بخش مجزا به روابط خارجی ایران بالاخص در دوره‌ی



سال ۹۲۱ ق که مردم هرات را واداشت از گوشت اموات تغذیه کنند و یا انسان‌های بی‌گناه را بکشند و پس از جوشانیدن اجساد، روغن و گوشت انسان را به فروش برسانند؛ قطع رابطه عثمانی با ایران و عدم علاقه‌ی سلطان سلیم و فرزندش سلطان سلیمان به صلح و آشتی با ایران تا سال ۹۶۲ ق و...»<sup>۲۱</sup>

در پایان کتاب، فهرستی از منابع و مآخذ فارسی و لاتین که به زبان انگلیسی، فرانسه، ترکی استانبولی و ترکی آذربایجانی هستند و نیز فهرست اعلام آمده است.

#### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- یوسف جمالی، محمدکریم، حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی شاه اسماعیل اول (اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد، ۱۳۸۷)، صص ۱۶ و ۱۷
- ۲- همان، ص ۵۶
- ۳- همان، ص ۵۸ و ۵۹
- ۴- همان، ص ۶۷
- ۵- همان، ص ۱۳۴
- ۶- همان، ص ۱۴۷
- ۷- به طور نمونه در کتاب «تاریخ سلطانی»، اثر سید حسین بن سعید مرتضی‌الحسینی به تولد دختری به نام مهین بانو سلطان، در سال ۹۲۵ ق اشاره شده است و یا آن‌جا که قاضی احمد غفاری، نویسنده‌ی «تاریخ جهان آرا» جرأت کرده و از وجود دختر دیگر شاه اسماعیل به نام خانوش خانم به سال ۹۱۲ ق خبر داده است.
- ۸- یوسف جمالی، همان، ص ۳۳۷
- ۹- همان، ص ۲۵۶
- ۱۰- همان، ص ۲۶۶
- ۱۱- همان، ص ۲۷۰
- ۱۲- همان، ص ۲۷۴
- ۱۳- همان، ص ۲۷۴
- ۱۴- برای آگاهی بیشتر نک: همان، صص ۲۸۴-۲۸۰
- ۱۵- همان، ص ۳۰۸
- ۱۶- ططری، علی، بررسی روابط ایران و اروپا در دوره‌ی ترکمانان آق‌قویونلو، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، س ۸، ش ۳۰ (بهار ۱۳۸۶): ص ۳۹
- ۱۷- برای آگاهی بیشتر نک: همان، صص ۲۵-۴۰
- ۱۸- یوسف جمالی، همان، ص ۳۳۷
- ۱۹- همان، ص ۳۳۸
- ۲۰- همان، ص ۳۵۷
- ۲۱- همان، ص ۳۸۳ و ۳۸۴

نبردهای مذهبی که جنگ با ازبکان از سخت‌ترین آن‌ها به شمار می‌رفت. از آن‌جا که از دوره‌های نخستین تاریخ ایران اقوام شمال شرقی همواره برای دولت‌مردان ایران مشکل‌ساز بودند، این بار نیز ازبکان به عنوان میراث‌داران این اقوام، تا پایان دوران صفویه موجب آزار و اذیت مردم ایرانی در سرحدات و دولت مرکزی گردیدند. البته در نگاهی کلی کاملاً محرز است که شاه اسماعیل از توفیق نسبتاً کاملی در نبرد با ازبکان برخوردار شد؛ اما نتوانست ریشه‌ی آن‌ها را بخشکاند و ازبکان در زمان جانشینان او زحمات فراوانی برای دولت‌مردان ایرانی آفریدند. «چه ازبکان در سراسر حکومت این دو پادشاه [شاه اسماعیل اول و شاه تهماسب صفوی] و پادشاهان بعدی این سلسله شهرهای خراسان بزرگ - خصوصاً مناطق شیعه‌نشین را مورد نهب و غارت قرار می‌دادند و از هیچ قتل و غارتی دریغ نمی‌داشتند.»<sup>۲۰</sup>

در بخش بعدی، «روابط شاه اسماعیل با تیموریان هند؛ سلطان حسین بایقرا و بابر تیموری بررسی شده است. در بخش پایانی فصل هفدهم نیز «روابط ایران با دولت عثمانی در زمان شاه اسماعیل اول» در چهار قسمت مورد توجه قرار گرفته است. در نخستین قسمت، روابط شاه اسماعیل با بایزید دوم و سلطان سلیم اول بیان شده است. در بخش بعد، جنگ چالدران و عوامل بروز و پیامدهای این جنگ مورد بررسی قرار گرفته است. این جنگ که در زمان سلطان سلیم اول عثمانی (متوفی ۹۲۶ ق) به وقوع پیوست، به یکی از مهم‌ترین نبردهای تاریخ ایران بعد از اسلام مبدل شد. یوسف جمالی در این بخش سعی دارد ابتدا به طور مفصل، علل و زمینه‌های جنگ چالدران را بیان نماید و سپس به موقعیت جغرافیایی منطقه چالدران و نحوه‌ی آغاز جنگ چالدران بپردازد. جریان عملیات چالدران، آرایش نیروهای ایرانی و عثمانی و اهداف دو طرف متخاصم نیز در پی آمده است.

در پایان این بخش، «پیامدهای شکست ایران از جنگ چالدران»، به‌طور فهرست‌وار و در چهارده مورد قید گردیده است، که از جمله مهم‌ترین این پیامدها می‌توان به عناوین زیر اشاره کرد:

«جداً شدن دیار بکر برای همیشه از ایران، از دست دادن مقام و اعتبار الهی - مذهبی شاه اسماعیل، احساس ضرورت تجهیز سپاه قزل‌باش به توپ و تفنگ و ارتش نوین، حمله‌ی آلبوکرک به خلیج فارس در سال ۹۲۱ ق و تصرف بندر هرمز و تسلط بر خلیج فارس، آغاز تقاضای کمک و اتحاد شاه اسماعیل از اروپاییان و ارسال نامه به شارل پنجم شارلکن، حمله‌ی ازبکان به خراسان، قحطی بزرگ